

فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

- سیاست پیشگیرانه اسلام از جرم، در قرآن / سید محمد حسینی دره صوفی
- تاثیر جهت «مخالف بودن با موازین شرعی» در آراء قضائی / حفیظ الله محمدی
- ملاک خصم و دشمن در فقه و حقوق ایران و افغانستان / محمد اسماعیل حلیمی
- شرایط و مبانی فقهی تجدیدنظرخواهی در حقوق افغانستان / قربانعلی مبلغ
- موارد تغلیظ دیه در جرم قتل / د محمدعلی علی دادی
- بررسی فقهی شرطیت ذکوریت در قضاوت / سید رضی قادری
- احتمالات در تفسیر آیه مودت و قول صحیح در آن / سید رضا علوی

عنوان: فصلنامه علمی نیسم کوثر
مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی
ویراستار: سید محمد نقوی
گرافیسیت: سید محمود محسنی
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶
سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir
ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com
دفتر مرکزی و محل چاپ: ایران: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲، واحد سوم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و ماخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده. و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. عناوین اصلی و فرعی شماره بندی شود و هیچ عنوان بدون شماره نباشد.
۸. معادل انگلیسی اصلاحات و مفاهیم علمی رایج پانویس شود.
۹. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۱۰. فهرست منابع و ماخذ به ترتیب الفبای نام نویسندگان، الف). کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هریت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب). مقالات: نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، نام نویسنده یا نویسندگان، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، قرهنگ مدیریتی سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲، ۱۸۹.
۱۱. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمون نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم)
۱۲. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.
۱۳. نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.



سال دوم، پاییز ۱۴۰۱، شماره ۶

ملاک خصم و دشمن در فقه و حقوق ایران و افغانستان

محمد اسماعیل حلیمی

چکیده:

نوشتار حاضر در نظر دارد مفهوم خصم و دشمن در فقه و حقوق جمهوری اسلامی ایران و افغانستان را بررسی نماید. ابتدا مفهوم دشمن و دشمنی را در لغت و اصطلاح، بررسی نموده سپس به اهمیت دشمن شناسی می پردازد. هم چنین به انواع و اقسام دشمنی از منظر آیات و روایات، پرداخته، پس از آن دیدگاه فقهای اسلامی را در این باب مطرح می نماید. در بخش دیگری از این نوشتار، مفهوم دشمن و دشمنی در فقه و حقوق ایران و افغانستان مورد بررسی قرار می گیرد. بررسی احکام فقهی دشمن، بخش پایانی این نوشتار را تشکیل می دهد. در این بخش نظرات مختلف فقهای اسلامی در ابواب گوناگون فقهی در باره دشمن مطرح می شود. لازم به ذکر است که فقها از این عنوان، در ابواب طهارت، صلات، حج، جهاد، تجارت، قضاء و شهادت سخن گفته اند.

کلید واژه‌ها: خصم، دشمن، حربی، جاسوس، بدخواه، فقه، حقوق، امامیه، حنفی.

۱. مقدمه

سرآغاز تاریخ پیدایش دشمنی و خصومت، به آغاز خلقت انسان باز می‌گردد و آن زمانی بود که «ابلیس» پس از سرپیچی از فرمان خداوند مبني بر سجده در مقابل انسان و رانده شدن از درگاه الهی، نیت درونی خود را آشکار ساخت و ضمن طرح تقاضای عمر جاویدان از خالق هستی، برای گمراه ساختن مخلوقات بشری سوگند یاد کرد:

«به عزت تو سوگند که همگان را گمراه می‌کنم» (ص، ۸۲)

از این رو، سرآغاز تاریخ دشمنی، با خودمحوری و کبر همراه شد و این دشمن متکبر برای گمراه ساختن انسان، شیوه تغییر ملاک‌ها و معیارهای ارزشی انسان را پی گرفت: هر آینه در روی زمین بدی‌ها را در نظرشان بیارایم و همگان را گمراه کنم (حجر، ۳۹). بدین ترتیب عرصه رویارویی حق و باطل با شروع دشمنی ابلیس علیه انسان پدیدار گردید. بنا بر این دوستی و دشمنی، یکی از دیرپاترین مفاهیم زندگی بشری است.

دین مبین اسلام، نیز به عنوان کاملترین دین، تعریف دقیق از دشمن ارائه داده، آن را به انواع و اقسامی دسته‌بندی کرده است که فقهای اسلامی در ابواب مختلف فقهی آن را مطرح کرده، احکام دشمن و دشمنی را به دقت مورد بررسی قرار داده‌اند تا مسلمانان با شناخت درست دشمن، فریب نقشه‌های آنان را نخورده به یک زندگی آرام و بدون دردسر دست یابند.

۲. مفاهیم

۱-۲- واژه‌شناسی دشمن

واژه «دشمن» در فرهنگ لاتین، مترادف با لغت «Enemy» و در فرهنگ دینی و اصطلاح قرآنی، به معنای «عدو» و جمع آن «اعداء» به کار رفته است، مصدر آن (عدو) است به معنای تجاوز. راغب اصفهانی در «مفردات» می‌گوید: «عدو به معنی تجاوز و ضد التیام است، آن، گاهی با قلب است که به آن عداوت و معادات گویند و گاهی در راه رفتن است که عدو (دویدن) نام دارد و گاهی در عدم رعایت عدالت در معامله است که «عدوان» گویند... . عدو به معنی دشمن، که در قلب به انسان عداوت و دشمنی دارد و در ظاهر مطابق آن رفتار می‌کند: «ان الکافرین لکم عدوا مبینا» (نساء ۱۰۱) «ان الشیطان للانسان عدو مبین» (یوسف ۵،

ملاک خصم و دشمن در فقه و حقوق ایران و افغانستان * ۴۹

قاموس قرآن، ج ۴، ص ۳۰۵، مفردات راغب، ماده عدو) به قول راغب، دشمن دو جور است، یکی آن که عداوت دارد و به قصد دشمنی است مثل «فان كان من قوم عدو لكم» (نساء ۹۲) دیگری آن که به قصد عداوت نیست بلکه او حالتی دارد که شخص از آن متأذی می شود چنان که از کار دشمن. مثل «فانهم عدولی الا رب العالمین» (شعرا ۷۷) بتهای بی جان، نسبت به ابراهیم عداوتی نداشتند و از جماد، دشمنی متصور نیست بلکه آن ها جنبه معبودی داشتند و آن حالت، ابراهیم را ناراحت می کرد لذا فرمود: آن ها دشمن منند.

راغب در ادامه، می گوید: «ظاهر در آیه «ان من ازواجکم و اولادکم عدوا لکم فاحذروهم» (تغابن ۱۴) نیز عدو به همان معنی است یعنی همان طور که از دشمن، صدمه به انسان می رسد ممکن است آن ها نیز شما را به صدمه بیاندازد و میل و عشق به آن ها از کار خدائی بازتان دارد» (قرشی، ج ۴، ص ۳۰۸) گاهی نیز، دشمنی به معنای عدم رعایت عدالت در رفتار و معامله با دیگران است لذا بهتر است آن را ظلم معنی کرد، مثل «ولا تعاونوا علی الاثم و العدوان» (مائده، ۲) که عدوان، چنان که از راغب نقل شده، در آیه فوق به همین معناست.

گاهی نیز، دشمن در معنای عداوت و خصومت ظاهری در مقابل کینه و عداوت قلبی و باطنی به کار رفته است. چنان که راغب اصفهانی ذیل آیه شریفه: «و بداء بیننا و بینکم العداوه و البغضاء ابداء» (ممتحنه ۴) می گوید: «ظاهر در این گونه موارد مراد از عداوت، دشمنی ظاهری و از بغضاء، عداوت و کینه قلبی است» (قرشی، ج ۴، ص ۳۰۸) گرچه عداوت به معنی تجاوز قلبی هم هست لکن در اقرب الموارد گفته: عداوت به معنی خصومت و دوری است. و اما معنای لغوی «عدو» در فرهنگ المنجد چنین آمده است: «دویدن برای جنگ، منصرف کردن و بازداشتن، ظلم و ستم کردن، از حد و اندازه گذشتن، دشمنی و خصومت ورزیدن، تجاوز و تعدی نمودن، تفرقه و دوری انداختن و...» (رحیمی نیا، ج ۱، ص ۹-۶۸۷).

۳. اهمیت دشمن شناسی

شناخت دشمن از ضروریات اولیه هر مبارزه است و از طریق آن می توان بقای خود و جامعه را تضمین کرد. در طول تاریخ جوامع، تمام شکست ها ناشی از بی توجهی به دشمن بوده است.

امروز، قدرت‌های بزرگ با ایجاد سازمان‌ها و تشکیلات اطلاعاتی و جاسوسی و اختصاص بودجه‌های کلان برای این مراکز، تلاش می‌کنند تا دشمنان بالقوه و بالفعل خود را شناسایی کنند قبل از آنکه نقشه دشمنان کارساز شود آن‌ها را درهم شکنند. این تشکیلات در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌های اساسی این دولت‌ها نقش مهمی دارند.

در مکتب‌رهای بخش اسلام نیز درباره شناخت دشمن، توصیه‌های فراوان شده است از دیدگاه مکتب حیات بخش اسلام، انسان دارای دشمن‌های مختلفی است. در وجود خود انسان، بعضی از قوای او دشمن انسانیت او هستند، و از آن جهت که اشرف مخلوقات است، مورد بغض و حسد بعضی دیگر از موجودات می‌باشد. نیز از آن جهت که مسلمان است مورد کینه و عداوت بعضی انسان‌های غیر مسلمان است که هم علیه شخص او هستند و هم علیه فکر، عقیده و مملکت او. شناخت این دشمنان، اولین لازمه مبارزه با آنان است.

امام خمینی بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، دشمن‌شناسی را یکی از محکّمات اندیشه‌ی سیاسی در قرآن کریم می‌داند. ایشان، در تعریف کلی، دشمن را هر شخص، راه، جریان، گروه و کشوری می‌داند که مسیر، راه و اهداف او مقاصد اسلامی نیست. ایشان شاخص بسیار عملیاتی و عینی برای شناخت دشمن ارائه می‌دهد و به گونه‌ای سهل و ممتنع، همه‌ی اقشار عامی و دانشگاهی را به این امر فرا می‌خواند: «برنامه‌ی ملت ما برنامه‌ی طویل‌المدت، این است که همان گونه که در گذشته دشمن را شناختیم و از میدان رد کردید، حال هم دشمن را بشناسید و از میدان ردش کنید. (دشمن) ما فقط محمدرضا نبود، هر کس مسیرش، مسیر اسلام نباشد، دشمن ماست». امام (رحمت الله علیه)، عدم شناخت ماهیت دشمن را یکی از بزرگ‌ترین آفت‌ها و موانع نیل به اهداف متعالی اسلام و انقلاب اسلامی می‌دانستند. لذا، علاوه بر معرفی دشمنان در هر مرحله از انقلاب و افشای ماهیت آنان، بر دشمن‌شناسی و درک نقشه‌ها و توطئه‌های آنان تأکید می‌فرمودند و دائماً نسبت به آنان هشدار می‌دادند (برزگر، ج ۵، ص ۴۶).

مقام معظم رهبری، همچون رهبر کبیر انقلاب، به مقوله‌ی دشمن و دشمن‌شناسی به عنوان ضرورتی انکارناپذیر می‌نگرد و فضایی را تصویر می‌کشد که در آن ضرورت دشمن‌شناسی

ملاک خصم و دشمن در فقه و حقوق ایران و افغانستان * ۵۱

را گوشزد می‌کند و از آن به عنوان عاملی مهم و حیاتی در جهت پویایی نظام بر می‌شمرد. مقام معظم رهبری معتقد است که ما نه تنها در مقابله با دشمن می‌بایست قدرتمند باشیم، آن هم نه فقط در بعد مادی، بلکه می‌بایست در بعد معنوی هم با اقتدار ظاهر شویم؛ اگرچه بعد مادی را لازمه‌ی حیات پایدار می‌داند، اما کافی نمی‌داند. در این مسیر یکی از بهترین اقدامات برای حفظ و پویایی نظام، شناخت دشمن است، زیرا با دشمن‌شناسی می‌توان از خطرات احتمالی، کاست و به مقابله‌ی مدبرانه با تهدیدات محسوس و نامحسوس رفت. اگرچه این مقابله در زمان حال، قابل لمس است، اما در واقع نتیجه‌ی آن را می‌توان در آینده نگریست که مقابله‌ی مدبرانه‌ی زمان حال، ما را از خطرات آینده، که اگر موقع‌شناسی و مقابله‌ی به‌هنگام صورت نمی‌گرفت، مصون نمی‌نمود (بیانات رهبری معظم انقلاب در حرم مطهر رضوی، ۱۰ فروردین ۱۳۹۲).

❖ ۴. انواع دشمن

❖ ۱-۴. دشمن درونی

❖ الف- نفس اماره:

در وجود انسان دو دسته از قوای رحمانی و نفسانی تعبیه شده است (به تعبیر روایات، لشکریان عقل و جهل، ر. ک: بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۱۰) و این دو قوه در درون و ضمیر انسان با هم جنگ دارند تا اینکه کدام غالب گردد و مملکت وجود را تحت سیطره خود بگیرد.

در کنار نفس اماره در وجود انسان، نفس لوامه و مطمئه نیز وجود دارد. برخی از علمای اخلاق، نفس ملهمه را نیز بدان افزوده است. چنانکه شاعر می‌گوید:

نفس اماره است و لوامه است و وانگه ملهمه

مطمئه با سه دشمن در یکی پیراهن است.

نفس اماره و لوامه و مطمئه، در واقع حالات و مراحل يك حقیقت واحدند. نفس سرکشی که در افق حیوانیت و مرتبه پست است و به گناهان و زشتی‌ها فرمان می‌دهد با تعلیم و تربیت و مجاهدت به جایی می‌رسد که هر چند در برخی موارد دچار لغزش و انحراف می‌گردد

ولی میدان را به کلی به تمایلات و خواهش‌ها واگذار نکرده و گاهی بر اوضاع مسلط می‌گردد و خود را نسبت به گناهان سرزنش و ملامت می‌کند و تصمیم بر جبران خطاها می‌گیرد و دل و جان را با آب توبه می‌شوید و در هر صورت کفه سنگین مبارزه به نفع عقل و ایمان است، چنین نفسی که به این مرحله راه یافته، نفس لوامه یعنی سرزنشگر نام دارد. اگر انسان مردانه وارد میدان مبارزه گردد و پس از تصفیه و تهذیب و تربیت کامل، انسان به مرحله ای می‌رسد که غرائز رام او می‌گردند و دیو تمایلات سرکش در بند عقل و ایمان اسیر می‌گردند و متعادل می‌گردند این همان مرحله آرامش و سکینه است و نفسی که به این مرحله رسیده، نفس مطمئنه نام دارد که از آن بندگان خاص و مقرب درگاه الهی مانند پیامبران و اولیاء و رهروان راستین مکتب آن‌ها است. در قرآن کریم به هر سه این مراحل نفس اشاره شده است:

۱ - نفس اماره: « وَ مَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ » (یوسف/۵۳)

۲ - نفس لوامه: « لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ » (قیامت/۱ و ۲)

۳ - نفس مطمئنه: « يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي » (فجر/۲۷-۳۰)

• ب- شیطان (ابلیس):

خداوند عالم برای اجرای سنت امتحان به موجود شیرین و گمراه کننده‌ای به نام ابلیس یا شیطان اجازه داده تا به درون و ضمیر انسان‌ها نفوذ کرده و آن‌ها را وسوسه نماید و بدی‌ها را برایشان زیبا جلوه داده به ارتکاب زشتی‌ها دعوت کند تا معلوم شود که چه افرادی به اوامر و دستورات الهی پایبند مانده و با شیطان و نفس مبارزه می‌کنند و چه کسانی خداوند و دستورات او را به کناری نهاده، تسلیم شیطان و نفس می‌گردند تا در این میدان مبارزه، انسان‌های مؤمن تربیت شوند و رشد و تعالی بیابند و به مقام قرب الهی نائل شوند.

شیطان موجودی حقیقی است که با وسوسه و دگرگون ساختن واقعیت امور و زینت بخشیدن به زشتی‌ها و گناهان و ناگوار جلوه دادن نیکی‌ها و طاعات سعی در اغوا و انحراف انسان دارد. در واقع حوزه اصلی فعالیت شیطان در حالات روانی انسان و جنبه تخیل و توهم

ملاک خصم و دشمن در فقه و حقوق ایران و افغانستان * ۵۳

او است که حقایق را وارونه و بر خلاف واقعیت آن‌ها جلوه می‌دهد و انسان را به خیال و توهم در مورد واقعیات و ادار می‌سازد. از منظر قرآن کریم شیطان تنها وسوسه می‌کند و در قوه خیال و وهم انسان تصرف می‌کند و حقایق را دگرگون می‌سازد. «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا» (اعراف/۲۰) و «فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةٍ الْخُلْدِ» (طه/۱۲۰) شیطان زشتی‌ها را زیبا جلوه می‌دهد و اعمال ناپسند را زینت و آرایش کرده و آن را پسندیده و درست در اذهان ظهور می‌دهد: «وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام/۴۳) و «وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ» (انفال/۴۸) بت پرستی‌ها و تکبرها و ایستادن در برابر حق و حقیقت نمونه‌هایی از اعمال نفوذ و تصرف شیطان در وهم و خیال انسان است که بخشی از حوزه فعالیت‌های روانی انسان هستند.

شیطان و نفس دو دشمن خطرناک درونی‌اند که با فرماندهی شیطان و فرمانبری نفس و یاری قوای نفسانی علیه عقل و قوای رحمانی شورش کرده و در صورت توان مملکت وجود انسان را مسخر می‌نمایند و حیوانیت انسان را تشدید می‌کنند و او را به حدی از پستی و رذالت می‌رسانند که هیچ حیوانی نرسیده است. از آنجا این دو دشمن، «دشمن‌ترین دشمنان» نام گرفته‌اند که خانگی بوده، از راه‌های نادیدنی حمله می‌نمایند، شب و روز و وقت و بی‌وقت را نمی‌شناسند و راه‌های نفوذ و تسلط را به خوبی واقفند، جهاد و مبارزه با آن دو نیز «جهاد اکبر» خوانده شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اعِدِّي عَدُوَّكَ نَفْسَكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» (ری شهری، ج ۶، ص ۹۵)

دشمن‌ترین دشمن تو، نفس تو است که تمام وجودت را فراگرفته است.

امام علی علیه السلام فرمود: «لَا عَدُوَّ يُحَارِبُهُ أَعْدَى مِنْ أِبْلِيسَ» (نوری، ج ۵، ص ۳۴۰)

انسان با دشمنی کینه‌توزتر از شیطان نمی‌جنگد.

مبارزه با نفس و شیطان مبارزه‌ای مستمر و دائمی است و تا آخرین لحظه عمر دوام دارد؛ در حالی که مبارزه‌های دیگر مقطعی است و با شکست یا تسلیم کامل دشمن پایان می‌پذیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به مجاهدانی که از میدان جهاد اصغر باز می‌گشتند، فرمود:

آفرین بر قومی که جهاد اصغر را تمام کردند ولی جهاد اکبر همچنان بر عهده آنان باقی

است (حرعاملی، ج ۱۱، ص ۱۲۲)

آنان از همان زمان که خود را شناختند، به میدان مبارزه با نفس و شیطان قدم گذاردند و رفتن آنان به میدان جهاد فی سبیل الله و استقامت آنان علامت پیروزی مقطعی آنان در جهاد اکبر بود. با شکست دشمن بیرونی، جهاد اصغر تمام شد ولی دشمن درونی همچنان زخم دیده و شکست خورده در انتظار است و کمین گرفته تا لحظه‌ای مجاهد پیروز جبهه جهاد اصغر و اکبر غافل شود و بر او هجوم برد و همه افتخارات گذشته‌اش را نابود سازد و او را به اسارت بگیرد. بنابراین، باید در همه لحظه‌های زندگی هوشیار بود و از مبارزه با دشمن درونی غافل نشد و پیروزی‌های مقطعی را غایت ندانست و این جهاد مقدس را تا رسیدن به شهادت و یا پایان عمر ادامه داد.

قرآن کریم به صراحت شیطان را دشمن بشر می‌داند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»؛ (فاطر، ۶) البتّه شیطان دشمن شما است، پس او را دشمن بدانید. در جای دیگری او را جزو دشمنان آشکار و بزرگ می‌داند که همواره با انسان سر دشمنی داشته است: «إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا» (اسرا، ۵۷) همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است.

۲-۴. دشمن بیرونی

• الف) کفار

کفار هم، گروه دیگری از دشمنان مؤمنان شمرده شده‌اند؛ کفار همواره به عنوان مانعی در برابر حرکت توحیدی پیامبر و مسلمانان بوده‌اند. آن‌ها نیز در قرآن به دشمنان آشکار معرفی شده‌اند: «إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا». (نسا، ۱۰۱) هر چند این گروه ویژگی‌های مشترکی با مشرکان دارند، اما به جهت ترسیم دقیق‌تر دشمنان، این گروه را دربخش جداگان‌های معرفی می‌نماییم. ویژگی‌هایی که در قرآن برای کفار اشاره شده است، عبارت‌اند از: کسانی که آیات خدا را تکذیب کردند، (بقره، ۳۹) کور، کر و لال هستند، -کنایه از این‌که هیچ‌گونه بصیرتی ندارند (بقره، ۱۷۱) افراد با ایمان را مسخره می‌کنند، (بقره، ۲۱۲) یاران شیطان، (نسا، ۷۶) کسانی هستند که از راه خدا باز داشته شده‌اند. (نسا، ۱۶۷)

ملاک خصم و دشمن در فقه و حقوق ایران و افغانستان * ۵۵

• (ب) مشرکان

مشرکان نیز دشمنان دیگری هستند که از دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان معرفی شده‌اند: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا... وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا»؛ (مانده، ۸۲) به طور مسلم... و مشرکان را دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت. مشرکان نیز دارای خصوصیتی هستند که در قرآن به آن‌ها اشاره شده است. ویژگی‌هایی از قبیل انسان‌های جاهل و گمراه، (فصلت، ۵۲) بی منطق و هوچی گر، (فصلت، ۲۶) منحرف، (عنکبوت، ۶۱) و... البته در این گروه یهود به جهت عناد و دشمنی خاص نسبت به مؤمنان چنین معرفی شده است: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ»؛ (مانده، ۸۲) به طور مسلم، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت. از نگاه قرآن یهودیان نیز ویژگی‌های خاصی دارند؛ آن‌ها طغیان گر، (نسا، ۱۶۰) تکذیب کننده و قاتلان انبیا، (مانده، ۷۰) جنگ افروز، (مانده، ۶۴) شبهه افکن، (بقره، ۱۳۵) و... معرفی شده‌اند.

• (ج) منافقان

منافقان گروهی هستند که در قرآن بالحن شدیددی از آن‌ها یاد شده است؛ زیرا اسلام و مسلمانان ضربه‌های سختی از آن‌ها دریافت کرده‌اند منافقان دارای بیماری قلبی بوده و همواره نسبت به احکام و شریعت اسلام شک و تردید دارند. قرآن می‌فرماید: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا...»؛ (بقره، ۱۰) در دل‌های آن‌ها یک نوع بیماری است، خداوند بر بیماری آن‌ها می‌افزاید. این افراد کسانی هستند که می‌گویند ایمان آورده‌ایم، اما دروغ می‌گویند و در حقیقت ایمانی به خدا و رسولش ندارند (بقره، ۸) لجاجت، (اعراف، ۱۷۹) قلب پرکینه، (بقره، ۱۴) ترس، (احزاب، ۱۹) سستی در انجام عبادات، (نسا، ۱۴۲) بهانه تراشی، (توبه، ۴۹) هواپرستی، (محمد، ۱۶) بخل، (توبه، ۶۷) امر به بدی و نهی از نیکی، (همان) فرصت طلبی، (نسا، ۱۴۱) حریم شکنی، (توبه، ۶۱) ارتباط با دشمنان اسلام و مرعوب شدن از آن‌ها (مانده، ۵۲) و... از جمله ویژگی‌های برجسته این دشمنان سرسخت مؤمنان است.

منافقان، خطرناک ترین دشمن

قرآن می‌فرماید: «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ» (منافقون، آیه ۴) دشمنان (دین و ایمان) به حقیقت اینان

هستند، از ایشان بر حذر باش، در جای دیگر با عبارت «الَّذُ الْخِصَامِ» (بقره، آیه ۲۰۴) یعنی سرسخت‌ترین دشمنان از آنان یاد شده است. کثرت آیات و روایات در مورد منافقان، بیانگر خطرناک بودن این گروه است.

امیرالمومنین علی (ع) می‌فرماید دونوع دشمن وجود دارد: دشمن آشکار و دشمن پنهان. از منظر آن حضرت، کم خطرترین دشمن، دشمنی است که دشمنی خود را آشکار کرده است، حضرت می‌فرماید: «او هن الاعداء کیداً من اظهر عداوته» «سست‌ترین دشمنان کسی است که عداوتش را آشکار ساخته-است» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۱۰).

آن حضرت اظهار می‌دارد: خطرناک‌ترین دشمن، دشمنی است که دشمنی‌اش را پنهان می‌کند و این دشمنی همانا نفاق است. امام (ع) در این زمینه می‌فرماید: «شرالاعداء ابعدهم غوراً و اخفاهم مکیده» «بدترین دشمنان کسانی‌اند که حيله خود را بیشتر پنهان می‌دارند» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۱۵).

امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید: «مسأله منافقین را پیامبر اسلام (ص) هم نمی‌توانست حل بکند، حضرت امیر (ع) هم گرفتار اینها بود و نمی‌توانست حل بکند، حلش مشکل است.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ص ۲۸۶).

• (د) بعضی از همسران و فرزندان

از جمله موارد دیگری که ممکن است با انسان به دشمنی بپردازد، بعضی از همسران و فرزندان هستند. قرآن در این باره می‌فرماید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ»؛ (تغابن، ۱۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شما هستند. این بیان هشدار به مؤمنان است که مبادا فرزندان و همسر، شما را از تقرب به خداوند باز دارند و یا با القای شبهه شما را از عمل صالح باز دارند. در این صورت از نظر قرآن فرزندان و همسرانی که مانع ایمان و تقوای انسان باشند، از دشمنان محسوب می‌شوند.

ملاک خصم و دشمن در فقه و حقوق ایران و افغانستان * ۵۷

۵. مفهوم دشمن از دیدگاه فقهای اسلامی

آنچه در باره معنا و مفهوم و تقسیمات دشمن از منظر قرآن کریم گفته شد، تمام فرق اسلامی آن را قبول دارند منتهی فقط در مباحث کلی، آن را بدین صورت مطرح می‌کنند اما در فقه سیاسی، فقهای مسلمان، با یک دید دیگری به مفهوم عدو و دشمن نگریسته آن را فقط به دشمن بیرونی اختصاص داده و در ابواب جهاد و تجارت و قضاء و... از آن بحث کرده‌اند. فقهای اسلامی، در این ابواب، کافر را که بارزترین مصداق دشمن می‌باشد، به انواع و اقسامی تقسیم کرده، حکم هر کدام را بیان کرده‌اند و در باره مصداق دشمن، خیلی بحث نکرده‌اند و به صورت کلی، هر کسی یا گروهی که برای نابودی نظام اسلامی یا خلافت اسلامی یا حکومت اسلامی، تلاش ورزد، دشمن تلقی شده است.

آنچه در بیشتر ابواب فقهی در باره دشمن و دشمنی به چشم می‌خورد و فقهای شیعه و سنی از آن بحث کرده‌اند، احکام مختلفی است که بر دشمن بار می‌شود که ذیلاً به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

۶. برخی از احکام در مورد دشمن

۱-۶. جواز نبش قبر و انتقال میت

از موارد جواز نبش قبر و انتقال میت به مکانی دیگر، بیم از نبش قبر توسط دشمن است (توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۳۴۹، م ۶۴۳)

۲-۶. نجس بودن دشمن اهل بیت

دشمن اهل بیت علیهم السلام ناصبی به شمار می‌رود، از این رو کافر و نجس است (شهید ثانی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۹۲) و (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۷۸)

۵۸ * فصلنامه علمی نسیم کوثر / پاییز ۱۴۰۱ / شماره ۶

۶-۳. حمل سلاح در نماز عیدین در صورت خوف از دشمن

هنگام رفتن برای نماز عیدین (عید فطر و قربان) همراه داشتن سلاح، جز در صورت بیم از حمله دشمن، مکروه است (نجفی، ج ۳، ص ۳۹۸) و (علامه حلی، ج ۲، ص ۶۸)

۶-۴. مشروعیت نماز خوف در جنگ با دشمن

هنگام جنگیدن با دشمنان دین، نماز خوف با شرایطی مشروعیت می یابد (نجفی، محمد حسن، ج ۱۴، ص ۱۵۵).

شیبانی از فقهای حنفی نیز در این باره می گوید:

قُلْتُ أَرَأَيْتَ الْإِمَامَ إِذَا كَانَ مَوَاقِفَ الْعَدُوِّ فِي أَرْضِ الْحَرْبِ فَحَضَرَتِ الصَّلَاةَ فَأَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ بِالنَّاسِ كَيْفَ يُصَلِّيَ بِهِمْ قَالَ تَقِفْ طَائِفَةً مِنَ النَّاسِ بِإِزَاءِ الْعَدُوِّ... (شيبانی، جزء ۱، ص ۲۰۶)

حکم مصدود

به مُحَرِّمِ که دشمن او را از اتمام مناسک حج باز داشته، مصدود گویند که با قربانی کردن در همان مکان از احرام خارج می شود (نجفی، ج ۲۰، ص ۱۲۰)

۶-۵. وجوب جهاد دفاعی در برابر دشمن اسلام

جهاد دفاعی در برابر دشمن متجاوزی که کمر به نابودی اساس اسلام یا مسلمانان بسته، واجب است (نجفی، محمد حسن، ج ۲۱، ص ۱۵-۱۶) چنان که دفاع در برابر دشمنی که قصد جان یا ناموس آدمی را کرده واجب است (همان، ج ۴۱، ص ۶۵۱-۶۵۵)

فقهای حنفی نیز جهاد در مقابل دشمن را واجب می دانند البته به شرطی که توان برابری در مقابل دشمن را داشته باشند. در این باره مولف حاشیه می گوید:

قوله: (هو فرض كفاية) قال في الدر المنتقى: وليس بتطوع أصلاً هو الصحيح، فيجب على الامام أن يبعث سرية إلى دار الحرب كل سنة مرة أو مرتين، وعلى الرعية إعانتة إلا إذا أخذ الخراج، فإن لم يبعث كان كل الاثم عليه، وهذا إذا غلب على ظنه أنه يكافئهم وإلا فلا يباح قتالهم، بخلاف الامر بالمعروف (ابن عابدین، ج ۴، ص ۲۹۸)

ملاک خصم و دشمن در فقه و حقوق ایران و افغانستان * ۵۹

۶-۶. حرمت فرار از جنگ در جهاد ابتدایی با دشمنان دین
فرار از جنگ در جهاد ابتدایی با دشمنان دین، در صورتی که نیروی دشمن
دو برابر مسلمانان یا کمتر از آن باشد جایز نیست (نجفی، محمد حسن، ج ۲۱، ص ۵۶-۵۸)
جواز هجو دشمنان خدا و دین
هجو کردن دشمنان خدا و دین جایز است (همان، ج ۴۱، ص ۴۹) چنان که تبری جستن از آنها
واجب می‌باشد.

۶-۷. حرمت فروش سلاح به دشمن
فروختن سلاح به دشمنان دین، که در حال جنگ با مسلمانانند و نیز در دوران صلح
به قصد تقویت آنان علیه مسلمانان و به قول برخی، مطلقاً حرام است (همان، ج ۲۲، ص ۲۸-
(۳۰

۶-۸. نماز خواندن با لباس عدو (اهل ذمه)
مؤلف کتاب المبسوط، نماز خواندن با لباس اهل ذمه را در صورتی که علم به نجاست آن
نداشته باشد، جایز دانسته است چنانکه می‌گوید:
قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ لَا بَأْسَ بِلبِيسِ ثِيَابِ أَهْلِ الذِّمَّةِ كُلِّهَا وَالصَّلَاةَ فِيهَا مَا لَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ أَصَابَهُ قَدْرٌ
إِلَّا الْإِزَارَ وَالسَّرَاوِيلَ فَإِنَّهُ كَرِهَ لِلصَّلَاةِ فِي ذَلِكَ حَتَّى يَغْسَلَ وَهُوَ قَوْلُ أَبِي يُونُسَ وَمُحَمَّدٍ إِلَّا
أَنَّ أَبَا يُونُسَ قَالَ إِنْ صَلَّى فِي الْإِزَارِ وَالسَّرَاوِيلِ أَجْزَاءَ ذَلِكَ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ أَصَابَهُ قَدْرٌ أَوْ شَيْءٍ
يُنَجِّسُهُ (شيباني، ج ۱، ص ۸۷)

اجازه ندادن مشارکت در جنگ به دشمنان وحدت مسلمانان
فرمانده سپاه اسلام به کسانی که کارشان دشمنی افکندن میان مسلمانان است نباید اجازه
شرکت در جنگ بدهد (علامه حلی، ج ۹، ص ۵۱) و (محقق ثانی، ج ۳، ص ۳۸۸)

۶-۹. حکم قاضی نسبت به دشمن

حکم قاضی به نفع دشمن خود، در صورت عدم تنافی دشمنی با عدالت وی، نافذ است، لیکن علیه او نافذ نیست. برخی در عدم نفوذ تأمل و اشکال کرده‌اند (نجفی، ج ۴۰، ص ۷۱-۷۲)

۶-۱۰. حرمت دشمنی کردن با مومن

دشمنی کردن با مؤمن حرام است (علامه حلی، ج ۱۳، ص ۲۸۲)

۶-۱۱. شهید بودن کسی که توسط عدو کشته می‌شود

یکی از احکامی که در مبحث دشمن و دشمنی بار می‌شود، شهید بودن کسی است که توسط دشمن و عدو کشته می‌شود. برهان الدین ابن مازہ در این باره می‌گوید:

ذکر محمد رحمه الله في «الزيادات»: أما في الشهيد وذكر فيها مسائل كثيرة وبنی مذهب أبي حنيفة ومذهب نفسه على أصل أن من صار مقتولاً في قتال ثلاث: إما مع أهل الحرب، أو مع البغاة، أو مع قطاع الطريق لمعنى مضاف إلى العدو، وكان شهيداً سواء كان بالمباشرة، أو بالتسبب، وكل من صار مقتولاً بمعنى غير مضاف إلى العدو لا يكون شهيداً لأن الشهيد اسم لقتيل العدو فلا بد وأن يكون القتل مضافاً إلى العدو مباشرة وتسبباً. وقال أبو يوسف رحمه الله: إذا صار مقتولاً في هذا القتال الثلاث كان شهيداً، وإن لم يكن قتله مضافاً إلى العدو؛ لأن الأصل في هذا الباب شهادة أحد، وقد كان فيهم من رمت به دابته ثم عمهم رسول الله عليه السلام في حكم الشهادة. إذا أوطأ مشرك مسلماً بدابته لا يغسل؛ لأنه قتل العدو مباشرة، ولو وطئت دابة المشرك والمشرك راكبها إلا أنه لا يعلم به، فقتله لا يغسل؛ لأنه قتل العدو مباشرة؛ لأن فعل الدابة يضاف إلى راكبها؛ لأنها تبع له يوقفها كيف شاء. وكذلك لو كدمته الدابة بضمها أو ضربته بيدها أو بعجته برجلها أو بذنبها لا يغسل بلا خلاف، وكان ينبغي أن يغسل عند أبي حنيفة، ومحمد رحمهما الله؛ لأن هذه الأفعال غير مضافة إلى راكب الدابة. (ابن مازہ، جزء ۲، ص ۳۱۲).

ملاک خصم و دشمن در فقه و حقوق ایران و افغانستان * ۶۱

۷. شرایط شاهد برای شهادت

شهادت یکی از دو خصم علیه دیگری در صورتی که منشأ خصومت، امور دنیایی باشد، پذیرفته نیست؛ لیکن به نفع وی و نیز مطلقاً (له یا علیه) در صورتی که منشأ دشمنی، امور دینی باشد، پذیرفته است. ملاک دشمنی دنیایی که مانع پذیرش شهادت می‌گردد این است که هرکدام از دو خصم از ناخوشی و پریشان حالی دیگری، شاد و از خوشی و شادمانی وی اندوهگین گردد و بدی او را بخواهد. برخی، به این مطلب اشکال کرده و گفته‌اند؛ این نوع عداوت موجب فسق و خروج از عدالت می‌گردد. در نتیجه شهادت مطلقاً پذیرفته نیست، هر چند به نفع خصم باشد (نجفی، ج ۴۱، ص ۷۰-۷۲)

* ۸. مصداق دشمن در حقوق جمهوری اسلامی ایران

∴ الف) قانون اساسی

بند پنجم از ماده سوم قانون اساسی: طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب. اصل نهم از قانون اساسی - در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اصل یکصد و چهل و ششم از قانون اساسی - استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در کشور هر چند به عنوان استفاده‌های صلح‌آمیز باشد ممنوع است.

اصل یکصد و پنجاه و سوم از قانون اساسی - هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.

∴ ب) قانون مجازات اسلامی

ماده ۳۵ از قانون مجازات اسلامی سال ۹۲- اخراج موقت یا دائم بیگانگان محکوم به مجازات از کشور پس از اجرای مجازات و با حکم دادگاه انجام می‌شود.

ماده ۱۳۰ از قانون مجازات اسلامی سال ۹۲- هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.

ماده ۲۸۶ از قانون مجازات اسلامی سال ۹۲- هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

ماده ۲۸۷- از قانون مجازات اسلامی سال ۹۲: گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند، باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند.

∴ ۹. مصداق دشمن در حقوق افغانستان

قانون جزای افغانستان مقرر می‌دارد

با نمایندگان سیاسی که در افغانستان مرتکب جرم گردند مطابق قواعد حقوق بین الدول عمومی رفتار می‌شود. (ماده هشتم)

ماده یکصد و نود و چهارم: اشخاص آتی به حبس دوام محکوم می‌گردند:

ملاک خصم و دشمن در فقه و حقوق ایران و افغانستان * ۶۳

۱-۱. شخصی یا اشخاصیکه به نفع دولت خارجی کار می‌کنند به قصد ضرر رساندن به مرکز حربی، سیاسی، دیپلوماسی یا اقتصادی افغانستان جاسوسی نماید.

۱-۲. شخصی که با وجود علم به خاصیت جرمی عمل، اوراق یا اسنادی را که مربوط امنیت دولت یا سایر منافع ملی باشد، عمداً تلف، پنهان، اختلاس یا تزویر نماید. شخصی که جرایم مندرج این ماده را در زمان جنگ مرتکب گردد، به اعدام محکوم می‌گردد.

ماده یکصد و نود و پنجم: شخصی که در یکی از امور دولتی به اجرای مذاکرات با دولت خارجی مکلف گردیده آنرا عمداً علیه منفعت افغانستان انجام دهد، به حبس دوام محکوم می‌گردد.

ماده دویست و سوم: جمعیت‌های سیاسی که دولت افغانستان آن‌ها را به رسمیت نشناخته باشد و با ایشان در حالت جنگ قرار گیرد، در حکم دولت خارجی می‌باشند.

ماده دویست و چهارم: شخصی که با استعمال قوت به از یا در انداختن رژیم جمهوری اسلامی افغانستان اقدام کند، به اعدام محکوم می‌گردد.
ماده دویست و پنجم:

شخصی که با استعمال قوت به منقلب ساختن یا تغییر قانون اساسی دولت یا شکل دولت اقدام نماید، به حبس دوام محکوم می‌گردد.

اگر اقدام به عمل جرمی مندرج فقهه فوق توسط جمعیت مسلح صورت گیرد موسس، رئیس و هر شخصی که به نحوی از انحا، رهبری جمعیت مسلح مذکور را به عهده داشته باشد، به اعدام محکوم می‌گردد.

❁ ۱۰. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر، ابتدا مفهوم خصم و دشمن، از نظر لغت و اصطلاح بررسی شد و پس از آن به اهمیت دشمن‌شناسی پرداخته شد.

دربخش میانی به انواع و اقسام دشمنان درونی و بیرونی و خطرات هر کدام از منظر آیات و روایات، اشاره‌ای شد و پس از آن ملاک خصم و دشمن در فقه و حقوق جمهوری اسلامی

ایران و افغانستان (فقه جعفری و حنفی) بررسی شد.

دربخش دگری از تحقیق، به احکام دشمنی و دشمنان از دید فقهای اسلامی، نظری افکنده شد که در ابواب مختلف فقهی از قبیل طهارت، صلات، حج، جهاد، تجارت، قضاء و شهادت، این بحث مطرح شده و فقها، نظراتشان را ابراز نموده‌اند.

دربخش پایانی تحقیق به مصادیق دشمن در قوانین ایران و افغانستان اشاره شد و به تفکیک، بندهایی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون مجازات اسلامی ایران که به نوعی به ملاک دشمنی و خصومت اشاره داشتند، آورده شد. هم چنین، چندین ماده از قانون جزای عمومی افغانستان، که تصریح یا اشاره‌ای به مفهوم دشمنی و مجازات آنان داشتند، ذکر شد.

از مجموع مباحث چنین به دست آمد که از نظر فقهی، تفاوت چندانی بین نظرات فقهای امامیه و حنفی در این باب، وجود ندارد همچنانکه در حقوق و قوانین موضوعه دوکشور ایران و افغانستان نیز - که متخذ از فقه جعفری و حنفی هست - وجه تمایز معنابهی به چشم نمی‌خورد.

❁ ۱۱. فهرست منابع:

قرآن کریم

۱. ابن عابدین، محمد امین، حاشیه ردالمحتار علی الدر المختار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱.
۲. ابن مازه، برهان الدین، محمود بن أحمد بن الصدر الشهید النجاری، المحیط البرهانی، داراحیاء تراث العربی، بی‌تا، بی‌جا.
۳. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة، قم، انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۰۵.
۴. برزگر، ابراهیم، دشمن‌شناسی در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی، مجموعه مقالات هفتمین سیمینار تبیین اندیشه‌ی دفاعی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۱۳۷۹.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم،

ملاک خصم و دشمن در فقه و حقوق ایران و افغانستان * ۶۵

۱۴۱۰.

۶. جمعی از نویسندگان، تعالیم قرآن، تهران، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، اول، ۱۳۸۳ ش.
۷. حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، آل البيت، ۱۴۱۴.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، سوریه، دار الشامیه، اول، ۱۴۱۲.
۹. شهید ثانی، زین الدین عاملی، رسائل الشہید الثانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، دوم، ۱۴۲۱.
۱۰. الشیبانی، أبو عبد الله محمد بن الحسن بن فرقد، المبسوط للشیبانی، اداره القرآن و العلوم الاسلامیه، بی تا، بی جا.
۱۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم، موسسه آل البيت، اول، ۱۴۱۴.
۱۲. علامه حلی، حسن بن یوسف، ریاض المسائل، قم، موسسه امام صادق، اول، ۱۴۲۰.
۱۳. علامه حلی، حسن بن یوسف، نہایة الاحکام، قم، موسسه آل البيت، اول، ۱۴۱۹.
۱۴. قرشی، سید علی اکبر، قامو قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ششم، ۱۴۱۲.
۱۵. محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد، قم، موسسه آل البيت، دوم، ۱۴۱۴.
۱۶. محمدی ری شہری، محمد، میزان الحکمة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
۱۷. نجفی، عباس بن حسن، العروة الوثقی، بی جا، بی تا.
۱۸. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ہفتم، ۱۴۰۴.
۱۹. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، آل البيت، ۱۴۰۸.
۲۰. رحیمی نیا، مصطفی، ترجمہ المنجد، تهران، صبا، ۱۳۹۳.

